



بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری با خودکارآمدی دانش آموزان

لیلا احمدزاده

استادیار، گروه آموزش ابتدایی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

آدرس پست الکترونیک ahmadzade.leila@yahoo.com

شماره تماس ۰۹۱۶۳۷۲۲۸۹۱

چکیده:

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری با خودکارآمدی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان بهبهان بود. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش آموزان متوسطه اول شهرستان بهبهان بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ مشغول به تحصیل بودند. نمونه مورد نظر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و با روش تصادفی خوشه ای ۳۸۲ نفر انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه شیوه های فرزند پروری دینا بامریند (۱۹۷۳) و پرسشنامه خودکارآمدی دانش آموزجینگ و مورگان (۱۹۹۹)، استفاده شد. داده ها به روش همبستگی پیرسون و رگرسیون، با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد. ضرایب همبستگی به دست آمده از رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با خودکارآمدی معنادار هستند. بدین معنی که بین فرزندپروری سهل گیرانه با خودکارآمدی نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین فرزندپروری مستبدانه با خودکارآمدی نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین فرزندپروری مقتدرانه با خودکارآمدی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با خودکارآمدی نشان می دهد متغیرهای پیش بین قادرند به طور ترکیبی حدود ۳۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک را پیش بینی کنند.

واژگان کلیدی: شیوه های فرزند پروری، شیوه مستبدانه، شیوه سهل گیرانه، شیوه مقتدرانه، خودکارآمدی

۱- مقدمه:

خودکارآمدی عاملی مهم در نظام سازنده شایستگی انسان است. انجام وظایف از سوی افراد مختلف با مهارت های مشابه در موقعیت های متفاوت به صورت ضعیف، متوسط و یا قوی و یا توسط یک فرد در شرایط متفاوت به تغییرات باورهای خودکارآمدی آنان وابسته است. به همین دلیل، احساس خودکارآمدی، افراد را قادر می کند تا با استفاده از مهارت ها در برخورد با موانع کارهای فوق العاده ای انجام دهند. عملکرد مؤثر، هم به داشتن مهارت ها و هم به باور در توانایی انجام آن مهارت ها نیازمند است. اداره کردن موقعیت های دائم تغییر، مبهم، غیرقابل پیش بینی و استرس زا، مستلزم داشتن مهارت های چندگانه است. بر اساس نظریات جامعه شناسی، خودکارآمدی یکی از مهمترین انتظارات فرد از خویش است که در شکل دهی رفتار، هدف ها و عملکرد کلی او نقش دارد. بر اساس نظریه شناختی - اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) خودکارآمدی قضاوت فرد در این مورد است که چگونه می تواند برای دستیابی به هدف های مورد نظر به شیوه مناسبی عمل کند و یاب به طور مؤثری از عهده موفقیت های استرس زا برآید. هر چه زمان رو به جلو می رود، روابط انسانی پیچیده تر شده و از سادگی بیرون می آید، روابط اعضای خانواده، معلم، شاگرد، همسالان و افزایش تعداد خانواده های تک بعدی باعث می شود اصول و قوانین به کار گرفته شده در تربیت فرزندان توسط والدین به شیوه گذشته اثر گذار نباشد و به همین دلیل در سال های اخیر تعداد پژوهش های انجام گرفته در زمینه های تربیتی افزایش یافته است (فرنودیان، اسدزاده و ابراهی قوام، ۱۳۹۲). عبارت سبک های فرزند پروری یکی از سازه ای جهانی است که به نحوی کلی ارتباط والدین با فرزندان و پیامدهای این الگوی رفتاری بر رشد تحولی فرزندان اشاره دارد و در برگزیده میزان پاسخگو بودن و مطالبه گر بودن والدین است (طباطبایی، خداد و صادقی راد، ۱۳۹۵). الگوهای متعددی توسط نظریه برای فرزند پروری ارائه شده که یکی از شناخته ترین آن ها الگوی بامریند است. بامریند (۱۳۹۱) با مشاهده تعامل والد - فرزند بر اساس سه شاخه اصلی یعنی میزان توقع و پاسخدهی والدین به طور کلی سه شیوه فرزند پروری را معرفی کرد: سبک فرزند پروری مقتدرانه، (۲) فرزند پروری مستبدانه و (۳) سبک فرزند پروری سهل گیرانه (ساربان و همکاران؛ ۱۳۹۲).



در روانشناسی، خودکارآمدی عبارت است از باور فرد به توانایی خود برای عمل به روش های لازم برای رسیدن به اهداف خاص. این مفهوم در ابتدا توسط روانشناس آلبرت بندورا پیشنهاد شد. خودکارآمدی بر هر حوزه ای از تلاش انسان تأثیر می گذارد. با تعیین باورهایی که یک فرد در مورد قدرت خود برای تأثیرگذاری بر موقعیت ها دارد، خودکارآمدی به شدت بر قدرتی که شخص واقعاً دارد. برای رویارویی با چالش ها به طور شایسته و انتخاب هایی که فرد احتمالاً انجام می دهد تأثیر می گذارد. این اثرات به ویژه با توجه به رفتارهای سرمایه گذاری مانند بهداشت، آموزش و کشاورزی آشکار و قانع کننده است. احساس قوی خودکارآمدی باعث پیشرفت انسان و رفاه شخصی می شود. فردی با خودکارآمدی بالا به چالش ها به عنوان چیزهایی می بیند که قرار است بر آن ها تسلط یابند تا تهدیدی برای اجتناب. این افراد می توانند سریع تر از شکست بهبود یابند و به احتمال زیاد شکست را به عدم تلاش نسبت می دهند. آنها با این باور که می توانند موقعیت های تهدید کننده را کنترل کنند، برخورد می کنند. این موارد با سطوح پایین تر استرس و آسیب پذیری کمتر در برابر افسردگی مرتبط است. در مقابل، افرادی که احساس خودکارآمدی پایینی دارند، وظایف دشوار را تهدیدی شخصی می بینند و از آنها دوری می کنند. وظایف دشوار باعث می شود که آنها به مهارت هایی که فاقد آن هستند نگاه کنند تا مهارت هایی که دارند. پس از شکست برای آنها آسان است که ایمان خود را به توانایی های خود از دست بدهند. خودکارآمدی پایین می تواند با سطوح بالاتر استرس و افسردگی مرتبط باشد (بندورا، ۲۰۱۰).

از متغیرهای اثر گذار بر خودکارآمدی، سبک های فرزند پروری می باشد. سبک فرزندپروری مجموعه ای از نگرش های والدین نسبت به کودکان است که منجر به ایجاد جو هیجانی می شود که در آن جو رفتارهای والدین بروز می نماید. این رفتارها هم دربرگیرنده رفتارهای مشخص (رفتارهایی که در جهت هدف والدین است) که از طریق آن رفتارها، والدین به وظایف والدینی شان عمل می کنند (اشاره به رفتارهای فرزندپروری دارد) و رفتارهای غیر مرتبط با هدف های والدینی است که شامل ژست ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان های غیر ارادی می باشد. در واقع فرزندپروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای خاصی است که کودک را تحت تأثیر قرار می دهد (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳). هر خانواده شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش بکار می گیرد. این شیوه ها که سبک های فرزندپروری نامیده می شود متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می باشد (هاردی و همکاران، ۱۹۹۳).

سبک های فرزندپروری به عنوان مجموعه ای از نگرش ها نسبت به کودک در نظر گرفته می شود که منجر به ایجاد جو احساسی می شود که در آن رفتارهای والدین رخ می دهد. این رفتارها شامل رفتارهای خاص، رفتارهایی در راستای هدف والدین است که والدین از طریق آنها وظایف والدین خود را انجام می دهند. سبک های فرزند پروری و تربیت کودکان یکی از مهمترین وظایفی است که والدین بر عهده دارند. وظیفه آنها در بین فرزندان، سازندگی، آفرینندگی و سازمان دادن فرزند در جهت رسیدن به انسانی کامل، متحرک و مؤثر است تا برای بقای وجود، صیانت نفس و انجام وظایف والدینی و اجتماعی آماده شوند (کوپنس و سولیمانز، ۲۰۱۹).

مفهوم سبک فرزندپروری بیش از ۵۰ سال است که در حوزه روانشناسی رشد به عنوان ابزار کنترلی والدین بر فرزندان شان به رسمیت شناخته شده است. سبک فرزندپروری به مجموعه ای از نگرش ها، رفتارها و ابزارهایی اشاره دارد که والدین به طور مداوم در همه زمینه ها برای مدیریت رفتار فرزندان خود از آنها استفاده می کنند. شیوه های فرزندپروری را می توان به عنوان رفتارهای ویژه ای که والدین برای اجتماعی کردن و نحوه معاشرت فرزندان خود از آنها استفاده می کنند، تعریف کرد (کوپنس و سولیمانز، ۲۰۱۹). سبک های فرزندپروری را می توان به عنوان مجموعه ای از ساختارهای روان شناختی درک کرد که بیانگر راهکارهای استنادی است که والدین در روند تربیت کودک از آنها استفاده می کنند و عموماً ابعادی مانند طرد شدن، گرمای عاطفی و محافظت بیش از حد را شامل می شوند (رن^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات زیادی نشان داده اند که داشتن سابقه تجارب خانوادگی مثبت از اختلال مصرف مواد پیشگیری می کند (هانی^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

از بین شیوه های فرزندپروری، سبک فرزند پروری مقتدرانه (انتظارات معقول با ایجاد محدودیت های منطقی و ابراز محبت و مشارکت فرزند در تصمیم گیری ها) به طور معکوس قادر به پیش بینی تغییرات آمادگی به مصرف مواد است. محققان پیشین به این نتیجه رسیده اند که روابط والدین با جوانان که مبتنی بر مهربانی، مشاوره، حمایت و احترام متقابل بین آنها همراه با اقتدار و کنترل متعادل است، عاملی بسیار قدرتمند جهت حفاظت فرزندان از انحرافات جامعه از جمله گرایش به سمت مواد مخدر بوده است. از طرف دیگر، روابط مبتنی بر کنترل و محدودیت شدید و عدم رابطه نیکو یا روابط مبتنی بر سهل گیری و آزاد گذاری بیش از حد، زمینه گرایش به مواد مخدر را افزایش می دهند. (رضایی و اسمعیلی، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر،

^۱ -Kuppens & Ceulemans

^۲ -Ran

^۳ -Haeny



سبک های فرزندپروری مستبدانه (انتظارات غیر واقعی و طاقت فرسا، استفاده از تنبیه و زور و توجه کم به نیازهای عاطفی) و سهل گیرانه بدون انتظار از فرزند و ضعف در کنترل خواسته های وی) به طور مستقیم قادر به پیش بینی تغییرات آمادگی به مصرف مواد هستند (سهیلی و همکاران، ۱۳۹۴). این نتایج نشانگر اهمیت الگوهایی است که والدین جهت تربیت فرزندان خود اتخاذ می کنند. (قدرتی و همکاران، ۱۴۰۰).

بنابراین شیوه های فرزند پروری الگوهای استاندارد هستند که با آداب و پاسخ های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می شود و به آن دسته تکنیک هایی گفته می شود که والدین به کمک آن ها فرزندان خود را کنترل و اجتماعی می کنند (کوموندرو و همکاران، ۲۰۱۵). شیوه های پرورشی کودک در گذر سده ها دگرگون شده است. در جامعه گذشته که دارای قواعد خشک و مستبدانه بود، یعنی همان جامعه ای که والدین امروز در آن پرورش یافته اند، روابط مردم در قالب ما فوق و زیر دست برقرار بود، پدرخانه قدرت برتر به حساب می آمد و مادر مطیع او و فرزندان مطیع هر دو بودند. جامعه خوب و سازمان یافته بود و هرکس به نقش خود در جامعه واقف بود. اگر جامعه همان ساختار را حفظ می کرد بسیاری از مشکلات عمده امروزی به وجود نیامده بود. اما جامعه ایستا نیست و تغییرات وسیع آن منجر به طرح سؤالات اساسی در زمینه پایه ساختار جامعه شده است. تا نیم قرن پیش بسیاری از والدین انتظار داشتند فرزندان آن ها بی چون و چرا از اوامر آن ها پیروی کنند. ولی در حال حاضر بسیاری از والدین، دیگر چنین انتظاراتی ندارند. با توجه به گسترش اطلاعات در مورد شیوه های فرزند پروری، نگرش والدین نیز در بسیاری از زمینه ها دستخوش تغییر شده است. به نظر می رسد در قرن معاصر والدین نسبت به نیازهای فرزندان خود آگاه تر، هوشیارتر و به مراتب انعطاف پذیرتر هستند. حال در این تحقیق پژوهشگر به دنبال این موضوع است که آیا بین شیوه های فرزند پروری والدین با خودکارآمدی دانش آموزان متوسطه اول شهر بهبهان رابطه معناداری وجود دارد؟

۲- روش شناسی :

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. این پژوهش به منظور کشف واقعیت های موجود یا آن چه که هست انجام می شود. در واقع این پژوهش به منظور توصیف یک جامعه تحقیقی در زمینه توزیع یک پدیده معین انجام می شود. در این گونه تحقیقات کشف علت ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده مورد نظر است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش آموزان متوسطه اول شهرستان بهبهان است که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ به تعداد ۸۲۰۰ نفر مشغول به تدریس می باشند. نمونه مورد نظر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و با روش تصادفی خوشه ای ۳۸۲ نفر انتخاب شدند. تعداد دختران ۲۲۰ نفر و تعداد پسران ۱۶۲ نفر بود ابزار جمع آوری داده از نوع پرسشنامه است و از افراد خواسته شد که به سوالات پاسخ دهند. پرسشنامه ها عبارت بودند از:

پرسشنامه شیوه های فرزند پروری: فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دایانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. جمله های شماره ۱، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱



شامل آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرها، آزمون پیرسون و رگرسیون استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۱ تجزیه و تحلیل شد.

۳- بحث درباره یافته ها

در این بخش یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش مانند میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات در جدول زیر ارائه شده است. همان طور که در جدول ۱ ملاحظه می شود از بین متغیرهای مورد مطالعه، بیشترین میانگین مربوط به متغیر خودکارآمدی با میانگین ($\bar{X}$) و انحراف معیار (SD) $\bar{X}=90/82$ و $SD=12/65$ می باشد. همچنین کمترین میانگین مربوط به متغیر فرزندپروری قاطع با میانگین ($\bar{X}$) و انحراف معیار $\bar{X}=29/29(SD)$ و $SD=8/11$ می باشد.

جدول ۱ یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
فرزندپروری سهل گیرانه	۳۱/۰۲	۷/۸۹	۱۱	۴۰
فرزندپروری مستبدانه	۳۳/۰۹	۷/۱۱	۱۲	۴۰
فرزندپروری مقتدرانه	۲۹/۲۹	۸/۳۲	۱۰	۴۰
خودکارآمدی	۹۰/۸۲	۱۲/۶۵	۳۰	۱۲۰

برای بررسی توزیع داده های جمع آوری شده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به این که شرط نرمال بودن توزیع داده ها در آزمون کولموگروف اسمیرنوف آن است که سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ باشد ($p > 0/05$). بنابراین بر اساس مندرجات جدول ۲، در کلیه متغیرها، مقدار سطح معناداری ابعاد بزرگتر از مقدار خطا ۰/۰۵ است پس توزیع داده ها در هر یک از متغیرها نرمال می باشد. از این رو جهت بررسی فرضیات پژوهش می توان از آزمون های آماری پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۲ نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	Z	P	نتیجه
فرزندپروری سهل گیرانه	۱/۶۰۳	۰/۰۷۰	نرمال
فرزندپروری مستبدانه	۱/۳۰۲	۰/۰۶۵	نرمال
فرزندپروری مقتدرانه	۱/۱۰۹	۰/۰۹۶	نرمال
خودکارآمدی	۱/۱۱۰	۰/۰۸۹	نرمال

در بخش آمار استنباطی به ارائه فرضیه ها پرداخته شد. به این منظور، ابتدا رابطه ساده بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک و سپس رابطه چندگانه متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- بین فرزندپروری سهل گیرانه والدین با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جهت آزمون فرضیه مورد نظر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. مندرجات جدول، نشان می دهد بین فرزندپروری سهل گیرانه با خودکارآمدی ($r=-0/387$, $p < 0/01$) رابطه منفی و معناداری وجود دارد.



جدول ۳ نتایج ضریب همبستگی بین متغیر فرزند پروری سهل گیرانه با خودکارآمدی

خودکارآمدی		
همبستگی (r)	سطح معنی داری (P)	
-۰/۳۸۷	۰/۰۱	فرزندپروری سهل گیرانه

۲- بین فرزندپروری مستبدانه والدین با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جهت آزمون فرضیه مورد نظر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. طبق جدول ۴ بین فرزندپروری مستبدانه با خودکارآمدی نیز $(p < ۰/۰۱, r = -۰/۳۳۲)$ رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

جدول ۴ نتایج ضریب همبستگی بین متغیر فرزند پروری مستبدانه با خودکارآمدی

خودکارآمدی		
همبستگی (r)	سطح معنی داری (P)	
-۰/۳۳۲	۰/۰۱	فرزندپروری مستبدانه

۳- بین فرزندپروری مقتدرانه والدین با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جهت آزمون فرضیه مورد نظر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۵ آمده است. طبق جدول بین فرزندپروری مقتدرانه با خودکارآمدی $(p < ۰/۰۱, r = ۰/۴۱۵)$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۵ نتایج ضریب همبستگی بین متغیر فرزند پروری مقتدرانه با خودکارآمدی

خودکارآمدی		
همبستگی (r)	سطح معنی داری (P)	
۰/۴۱۵	۰/۰۱	فرزندپروری مقتدرانه

۴- بین شیوه های فرزندپروری والدین با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جهت آزمون فرضیه شماره ۴ از رگرسیون به روش همزمان استفاده شده است. نتایج بدست آمده در جداول ۶ و ۷ شرح داده شده است.

جدول ۶ خلاصه تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش بین با خودکارآمدی به روش همزمان

مدل	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	نسبت F	R	R ²	sig
رگرسیون	۲۰۴۷۶/۹۹۲	۵۱۸۶/۷۴۸	۴۸/۶۰۲	۰/۵۸۳	۰/۳۴۰	۰/۰۰۰۱
باقیمانده	۴۰۳۳۲/۹۴۸	۱۰۶/۷۱۹				
کل	۶۰۹۷۹/۹۴۰					

مندرجات جدول ۶، نشان می دهد که ترکیب خطی متغیرهای پیش بین (فرزندپروری سهل گیرانه، فرزندپروری مستبدانه، فرزندپروری مقتدرانه) با خودکارآمدی از نظر آماری معنادار است $(F = ۴۸/۶۰۲, P \leq ۰/۰۱)$. بنابراین فرضیه ۴ نیز تایید می گردد. همچنین ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با خودکارآمدی $(R = ۰/۵۸۳)$ به دست آمده است. ضریب تعیین به دست آمده $(R^2 = ۰/۳۴۰)$ می باشد که نشان می دهد



متغیرهای پیش بین قادرند به طور ترکیبی حدود ۳۴٪ از تغییرات متغیر ملاک را پیش بینی کنند. مندرجات جدول ۷، نشان می دهد که از بین متغیرهای پیش بین، فرزندپروری مقدرانه ($\beta = 0.311$, $P \leq 0.01$) بهترین پیش بین کننده برای خودکارآمدی محسوب می شود.

جدول ۷ ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد برای پیش بینی متغیر ملاک

مدل	ضرایب غیر استاندارد B	ضرایب استاندارد Beta	T	sig
مقدار ثابت (a)	۸۳/۳۴۴		۱۴/۸۶۴	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری سهل گیرانه	- ۰/۳۱۲	- ۰/۱۹۵	- ۴/۲۴۶	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه	- ۰/۳۰۴	- ۰/۱۷۱	- ۳/۸۴۷	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مقتدرانه	۰/۴۷۳	۰/۳۱۱	۶/۷۵۷	۰/۰۰۰۱

۴- نتیجه گیری

فرضیه ۱: بین فرزندپروری سهل گیرانه والدین با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

بین فرزندپروری سهل گیرانه با خودکارآمدی نیز ($r = -0.387$, $p < 0.01$) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این نتایج با پژوهش های توزنده جانی و همکاران، (۱۳۹۰)، حسینی (۱۳۹۶)، صالحی چاچله و فقیهی (۱۴۰۰)، قمر و همکاران (۲۰۱۷) هماهنگ و همسو می باشد. بر طبق نظر بندورا (۱۹۷۷) باورهای خودکارآمدی محصول فرآیند پیچیده خودمجاوری است. چنان که ذکر شده، در نظریه بندورا چهار منبع اطلاعاتی مذکور مهمتر از همه به نظر می رسد. با توجه به این چهار منبع می توان نتیجه گرفت که تنظیم رفتار به وسیله اهداف از پیش تعیین شده و آگاهانه می باشد. این تعیین هدف شخص، تحت نفوذ خودارزیابی فردی قرار دارد. انسانها تلاش می کنند تا اهدافی را برگزینند که می دانند توانایی انجام آنها را دارند و از انتخاب اهداف فراتر از حدود توانایی خود اجتناب می ورزند.

همچنین در تبیین این یافته می توان گفت که والدین سهلگیر به ندرت به فرزندان خود اطلاعات صحیح یا توضیحات دقیق ارائه میدهند. در عین حال از روشهای احساس گناه و انحراف استفاده می کنند. این والدین همچنین در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه جویی و شکایت کودک، سر تسلیم فرود میاورند. والدین سهل انگار در ابراز محبت با والدین مقتدر تفاوت فاحشی ندارند. مادران سهل انگار به عنوان تنبیه، کودک را از محبت خود محروم میسازند و به تمسخر او میپردازند. یک والد سهل انگار در تلاش است درباره خط مشی خود با کودک مشورت کند و قواعد خانواده را برای او توضیح دهد. او توقع چندانی برای انجام کارهای منزل و رفتار صحیح از کودک خود ندارد. او خود را به عنوان عاملی فعال که هر گاه بخواهد، میتواند از آن استفاده کند؛ نه به عنوان عاملی که مسئول شکل دهی یا تغییر رفتار کنونی یا آتی کودک است، معرفی میکند. کودکان والدین سهل گیر از اتکا به خود، خودداری میکنند و یا از استقلال رای اندکی برخوردارند. این کودکان به صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف میشوند که هنگام مواجهه با ناملایمات، تمایل به واپسروی (رویگردانی) دارند. آنها نسنجیده عمل میکنند و به فعالیت بی هدف می پردازند. آنها فاقد اعتماد به نفس هستند و رفتارهای بزهکارانه از خود نشان میدهند. به نظر بندورا (۱۹۹۷) سطح انگیزش، شرایط عاطفی و عملکردهای اشخاص براساس آنچه که آنان باور دارند، شکل می گیرد تا براساس آنچه واقعاً درست است. سازه خودکارآمدی بر باورهای افراد در مورد قابلیت های خودشان برای اعمال کنترل به سطح عملکردشان و به رویدادهایی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد، مربوط است. همانگونه که بندورا ذکر می کند، افراد بسیار کارآمد سناریوی موفقیت که راهنمایی های مثبتی بر عملکرد ایجاد می کند در ذهن مجسم می سازند، درحالی که آنهایی که خودشان را ناکارآمد قضاوت می کنند، گرایش دارند که سناریوی شکستی که عملکردشان را کوچک می شمرد، در ذهن متصور سازند. افراد بسیار کارآمد تمایل دارند شکست شان را به کمبود تلاش نسبت دهند، در حالی که آنهایی که خودشان را ناکارآمد می دانند، شکست شان را به کمبود توانایی خود مرتبط می کنند. والدینی که از سبک فرزند پروری سهل گیرانه استفاده می کنند، از آنجا که سعی در مجاب کردن فرزندان نمی کنند و به راحتی خواسته های آن ها را قبول می کنند، نمی توانند



آن ها را خودکارآمد بار آوردند. پذیرش بی قید شرط رفتار فرزندان، آن ها را راحت طلب بار آورده از این رو، برای اهداف خود سعی و تلاشی ننموده و در نتیجه به خودکارآمدی بالایی دست پیدا نمی کنند.

فرضیه ۲: بین فرزندپروری مستبدانه والدین با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

بین فرزندپروری مستبدانه با خودکارآمدی نیز ($r = -0.332$, $p < 0.01$) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این نتایج با پژوهش های توزنده جانی و همکاران، (۱۳۹۰)، حسینی (۱۳۹۶)، نظری و نجفی بابادی (۱۴۰۲)، صالحی چاچله و فقیهی (۱۴۰۰)، قمر و همکاران (۲۰۱۷)، آنالایورکا و همکاران (۲۰۱۷)، مسعود و همکاران (۲۰۱۶) هماهنگ و همسو می باشد. والدین مستبد برای حفظ اقتدار خود ارزش زیادی قائل می باشند و هرگونه اقدام از سوی فرزندان که این موضوع را به چالش می کشد، سرکوب می کند. والدین سهل گیر قواعدی برای نظارت بر فرزندان ندارند و اجازه کافی برای ارائه هر رفتاری را به آن ها می دهند (ماندارا، ۲۰۰۳). خانواده هایی که با فرزندان خود در مسائل مختلف گفتگو و مشارکت می کنند فرزندان نشان توانایی حل مساله، اعتماد به دیگران، ایمان به قدرت خود و حس استقلال بیشتری دارند. خانواده ای که سبک فرزند پروری مقتدرانه را در تربیت فرزندان خود به کار می گیرند ترکیبی از کنترل، حمایت و علاقمندی منطقی به همراه اعمال قوانین ثابت با نشان دادن پذیرش در سطح بالا دارد (سایمونز و کانجر، ۲۰۰۷؛ به نقل از قربانی و امانی، ۱۳۹۴).

در تبیین نتیجه فوق و برتری شیوه ی فرزند پروری مقتدرانه باید گفت که این والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ دهی هستند. آن ها فرزندان خود را به عنوان افرادی با کفایت و موفق نگریسته و از آن ها مطابق با توانایی ایشان انتظار دارند. همچنین این والدین به شخصیت فرزندان خود احترام گذاشته و فرزندان آن ها مستقل، گرم، صمیمی و دارای روحیه همکاری بیشتری هستند و توانایی ابراز وجود و انگیزه پیشرفت بیشتری هستند که چنین رویه ای به خودکارآمدی بالا منجر می شود. همچنین باورهای افراد نسبت به توانایی های خود از طریق ترغیب کلامی ای که افراد دریافت می کنند، تحت تأثیر قرار می گیرند. پیام های کلامی و تشویق های اجتماعی به اشخاص کمک می کنند تا تلاش بیشتری به کار ببرند و پشتکار مورد نیاز برای موفقیت را تداوم بخشند و این امر به رشد پیوسته مهارت ها و کارآمدی شخصی منجر می شود. البته پیام ها همچنین برای تحلیل بردن باورهای کارآمدی می توانند کاربرد داشته باشند و این مورد زمانی بکار گرفته می شود که هدف، متقاعد کردن افراد دارای توانایی های کم باشد. برای مثال زمانی که زنان پیام های اجتماعی دریافت می کنند، مبنی بر اینکه آنها به حوزه های مردمحور همچون ریاضیات تعلق ندارند، ممکن است نسبت به این باور که آنها شایسته نیستند و نمی توانند شایسته باشند، بطور ویژه ای آسیب پذیر باشند (یاراحمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

فرضیه ۳: بین فرزندپروری مقتدرانه والدین با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

همانطور که در فصل چهار مشاهده شد بین فرزندپروری مقتدرانه با خودکارآمدی نیز ($r = 0.415$, $p < 0.01$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتایج با پژوهش های توزنده جانی و همکاران، (۱۳۹۰)، حسینی (۱۳۹۶)، نظری و نجفی بابادی (۱۴۰۲)، صالحی چاچله و فقیهی (۱۴۰۰)، آدر و همکاران (۲۰۲۴) مسعود و همکاران (۲۰۱۶) هماهنگ و همسو می باشد.

به نظر بندورا (۱۹۹۷) سطح انگیزش، شرایط عاطفی و عملکردهای اشخاص براساس آنچه که آنان باور دارند، شکل می گیرد تا براساس آنچه واقعاً درست است. سازه خودکارآمدی بر باورهای افراد در مورد قابلیت های خودشان برای اعمال کنترل به سطح عملکردشان و به رویدادهایی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد، مربوط است. همانگونه که بندورا ذکر می کند، افراد بسیار کارآمد سناریوی موفقیت که راهنمایی های مثبتی بر عملکرد ایجاد می کند در ذهن مجسم می سازند، درحالی که آنهايي که خودشان را ناکارآمد قضاوت می کنند، گرایش دارند که سناریوی شکستی که عملکردشان را کوچک می شمرد، در ذهن متصور سازند. افراد بسیار کارآمد تمایل دارند شکست شان را به کمبود تلاش نسبت دهند، در حالی که آنهايي که خودشان را ناکارآمد می دانند، شکست شان را به کمبود توانایی خود مرتبط می کنند. خودکارآمدی قضاوتی است درباره اینکه فرد چگونه می تواند برای دستیابی به هدف های مورد نظر به شیوه مناسبی عمل کند و یا به طور موثری از عهده موقعیت های استرس زا برآید (کاردامس، ۲۰۰۶). در این پژوهش رابطه مثبت و معناداری بین سبک های فرزند پروری مقتدرانه و خودکارآمدی بالا به دست آمد؛ یعنی فرزندی که والدین آن ها از سبک مقتدرانه در تربیت آن ها بهره برده بودند خودکارآمدی بالاتری را نشان دادند. این می تواند به دلیل نوع رابطه والدین با فرزندان باشد. بدین ترتیب که والدین مقتدر با واگذاری بسیاری از مسئولیت های مربوط به فرزندان به آن ها، علاوه بر اینکه مهجارت های متنوعی را در آن ها تقویت



کردند انتظار آن ها از میزان و نحوه عملکردشان را نیز افزایش داده اند. همچنین فرزندی که مدیریت شرایط مختلف را تحت نظارت والدینی مقتر تمرین کرده اند از عملکرد بهتری در شرایط استرس زا برخوردار بوده اند. در واقع زمانی که والدین از سبک فرزند پروری اقتدار منطقی استفاده می کنند به احتمال زیاد احساس خودکارآمدی در فرزندان افزایش پیدا خواهد کرد.

فرضیه ۴. بین جرات ورزشی با خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد.

همچنین بین جرات ورزشی با خودکارآمدی ($r = 0.310$, $p < 0.01$)، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتیجه این فرضیه با پژوهش های غفار زاده نمازی و محسنی راد (۱۴۰۳)، غفاری و فضل علی (۱۴۰۲)، پودینه و همکاران (۱۳۹۵) هماهنگ و همسوست.

در تبیین این فرضیه می توان گفت دانش آموزانی که خودکارآمدی تحصیلی بالایی دارند نظرات انتقادی را از چالش های جدیدی می دانند که به جای دفاع در برابر آن ها خود را در موقعیت های مناسب تر قرار می دهند تا از فرصت های یادگیری ایجاد شده از نظرات انتقادی استفاده کنند (آدامز و همکاران، ۲۰۲۰). برای تبیینی دیگر می توان از نظریه روان شناسی مثبت نگر سلیگمن^۵ بهره جست، هدف روان شناسی مثبت نگر این است که افراد بر توانایی ها و مزیت هایی که افراد و جوامع را قادر می سازند پیشرفت کنند، تکیه کنند. این نظریه بر روی هیجانات مثبت و خوش بینانه درباره آینده، امید و درستی و قدرتمند ساختن افراد تمرکز می کند، افرادی که هیجان مثبت خوش بینانه را رشد داده اند قادرند موقعیت های مخالف را تفسیر کنند و به طور کاملاً متفاوتی آن ها را به تعویق بیندازند. آن ها در موقعیت های سخت و چالش آور معنا پیدا می کنند، در این نظریه اعتقاد بر این است که ابراز وجود در مورد تأیید مثبت است. افرادی که احساس مثبتی در مورد خودشان دارند، دیگران را قادران و باارزش می دانند. آن ها قادر به ارائه و دریافت تأیید مثبت هستند، تأیید مثبت برای افراد ترغیب کننده و برانگیزاننده است، این نظریه اهمیت ارتباط با خود و دیگران را مورد تأکید قرار می دهد، توسعه روابط جرأت مندانه با دیگران، حس همبستگی و همکاری را در محیط کاری ارتقاء می بخشد و افراد را قادر می سازد که کارها را با همکاری یکدیگر به انجام رسانند. (هالوول^۶ ۲۰۰۲ به نقل از توند، ۲۰۰۷).

فردی که با جرأت است می تواند ارتباط نزدیک با دیگران برقرار کند، خودش را از سوء استفاده دیگران دور نگه دارد و دامنه وسیعی از نیازها و افکار مثبت و منفی را ابراز نماید، بی آنکه احساس گناه و اضطراب نماید یا به حقوق دیگران لطمه بزند (اتلر^۷، ۱۹۹۱). در مقابل، افرادی که جرأت ورزشی پایینی دارند، در باورها و احساسات و عقایدشان حتی برای خود ارزش قائل نبوده و اصل شباهت احساسی خود با دیگران را رد می کنند، در پاسخ علیه رفتارهای نادرست ناتوانند و نیز خواسته هایشان نسبت به دیگران را کم اهمیت می دانند. (سلطانی، ۱۳۸۴) رفتار جرأت ورزانه با خود پنداره ی مثبت، عزت نفس، تسلط خود بسندگی، و اعتماد به نفس، همگرایی و همبستگی دارد و رفتارهای غیر جرأت ورزانه بازدارنده و اجتنابی هستند و همبستگی مثبت و بالایی با ترس ها، هراس ها و اضطراب اجتماعی و انواع پرخاشگری های درونی دارد (محامد، ۱۳۷۸).

معمولاً افراد به تکالیفی مشغول می شوند که احساس کنند شایستگی اش را دارند و مطمئن هستند که می توانند انجام دهند و از کارهایی که احساس می کنند که نمی توانند انجام دهند یا در آن موفقیت مورد انتظار را بدست نمی آورند، پرهیز می کنند. باورهای خودکارآمدی تعیین می کنند که اشخاص چه مقدار فعالیت و تلاش برای یک فعالیت نیاز دارند، چه مقدار پشتکار و استقامت در روبرو شدن با موانع باید داشته باشند و چگونه در روبرو شدن با موانع از خود انعطاف نشان دهند. همچنین، باورهای خودکارآمدی روی الگوهای تفکر اشخاص و واکنش های عاطفی تأثیر می گذارد. در نتیجه این تأثیرات، باورهای خودکارآمدی، تعیین کننده ها و پیش بینی کننده های قوی سطح عملکرد هستند؛ بر پایه این دلایل بندورا بحث کرده است که باورهای خودکارآمدی در زندگی افراد نقش کلیدی دارند.

پیشنهادهای

- برگزاری کارگاه آموزشی در مدارس و آگاه سازی والدین نسبت به شیوه ای فرزند پروری و راه های افزایش خودکارآمدی فرزندان
- آموزش به زوج های جوان جهت تشکیل زندگی و شیوه تربیتی درست و سبک فرزند پروری مناسب.
- آشنایی والدین با ایرادات سبک فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه

^۵- Seligman

^۶-Hallowell

^۷- Otlar



منابع

- توزنده جانی، حسن. توکلی زاده، جهانشیر. لگزبان، زهرا، (۱۳۹۰) اثربخشی شیوه های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور. فصلنامه افق دانش، سال هفدهم، شماره ۲، ص ۵.
- پودینه، لیلا، جناآبادی، حسین، پورقاز، عبدالوهاب. (۱۳۹۵) "رابطه سبک های فرزندپروری و سبک های انضباطی با جرأت ورزی دانش آموزان." مجله مطالعات روانشناسی تربیتی دوره ۱۳، شماره ۲۴، صفحات ۲۱-۳۸.
- حسینی، سیده منیره، (۱۳۹۶) بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با خودکارآمدی تحصیلی و بلوغ اجتماعی دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه پایه دهم شهر چابهار، هشتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران.
- ساربان، حمیده؛ عیسی مراد، ابوالقاسم؛ طیبی، زهرا. (۱۳۹۲). ارتباط نگرش های تربیتی والدین با ابعاد سلامت روانی-اجتماعی (خودپنداره و تعامل اجتماعی) نوجوانان دختر. مجله ی روانشناسی مدرسه، دوره ۲، شماره ۳، ۱۲۴-۱۲۳.
- صالحی چلچله قاسم، و فقیهی، علی نقی. (۲۰۲۳). تدوین مدل مسئولیت پذیری و خودکارآمدی تحصیلی براساس الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی سبک های فرزندپروری.
- طباطبایی، موسی؛ خداداد، مرضیه؛ صادقی راد، لیلا (۱۳۹۵). پیش بینی اهمال کاری تحصیلی دانش آموزان. کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، مرکز همایش های تلاش.
- غفارزاده نمازی رضا، محسنی راد عقیل (۱۴۰۳). "اثر بخشی آموزش مهارت جرأت ورزی بر افزایش خودکارآمدی تحصیلی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان دچار اختلال یادگیری." شانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، اردیبهشت.
- فرنودیان، پریسا؛ اسدزاده، حسن؛ ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۹۲) رابطه بین شیوه های فرزند پروری والدین با کمال گرایی.
- نظری، نجفی بابادی، فرشید. (۲۰۲۳). رابطه شیوه های فرزند پروری با خودکارآمدی و ادراک لیاقت در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری شهر شیراز. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش های نوین ایران)، ۴۳(۹)، ۱-۱۵.
- یوسف زاده، ایمان و همکاران (۱۳۹۳). بررسی خود کارآمدی و خوش بینی در دانش آموزان دختر دبیرستانی و ارتباط آن با سبک فرزند پروری مادران. مجله زن و مطالعات خانواده، دوره ۷، شماره ۲، ۱۲۴-۱۲۷.
- Ader, M. A. P., Cruz, J. M. F. D., Ramos, J. M. M., Manaois, J. O., Filipinas, T. I., Tomawis, M. C., & Barros, M. L. R. (۲۰۲۴). **Examining the Relationship between Authoritative Parenting Style and Drug Dependence among PWUDs: The Mediating Role of Self-Efficacy.** *International Journal of Research and Scientific Innovation*, ۱۱(۱), ۴۴-۵۳.
- , Don't Say Yes When Alberti R. E. & Emmons M. L (۱۹۷۵). **Your Perfect Right: A Guide to Assertive You Want to Say No.** New York.
- Anna Llorca, María Cristina Richaud and Elisabeth Malonda (۲۰۱۷), **Parenting, peer relationships, academic self-efficacy, and academic achievement: Direct and mediating effects, Department of Personality, Evaluation and Psychological Treatment, University of Valencia, Valencia, Spain, National Council of Scientific and Technological Research, Buenos Aires, Argentina, Basics Psychology, University of Valencia, Valencia, Spain. ORIGINAL RESEARCH published: ۱۵ December ۲۰۱۷** doi: ۱۰.۳۳۸۹/fpsyg.۲۰۱۷.۰۲۱۲۰
- Bandura, A (۱۹۹۷). **Self-efficacy: toward a unifying theory of behavior change.** *Psychological Review* (۸۴), ۱۹۱-۲۱۵.
- Baumrind D. (۱۹۹۱) **the influence of parenting style on adolescent competence and substance use.** *Journal of Early Adolescence*; ۱۱: ۵۶-۹۵.



- Hardy D F, Power T G, Jadedicke S. (۱۹۹۳) ***Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress***. Child develops; ۶۴(۶): ۱۸-۴۸
- Haeny, A. M., Gueorguieva, R., Morean, M. E., Krishnan-Sarin, S., DeMartini, K. S., Pearlson, G. D., ... & O'Malley, S. S. (۲۰۲۰). ***The association of impulsivity and family history of alcohol use disorder on alcohol use and consequences***. Alcoholism: Clinical and Experimental Research, ۴۴(۱), ۱۵۹-۱۶۷.
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (۲۰۱۹). ***Parenting styles: A closer look at a well-known concept***. Journal of Child and Family Studies, ۲۸(۱), ۱۶۸-۱۸۱.
- Masud, H., Ahmad, M. S., Jan, F. A., & Jamil, A. (۲۰۱۶). ***Relationship between parenting styles and academic performance of adolescents: mediating role of self-efficacy***. Asia Pacific Education Review, ۱۷, ۱۲۱-۱۳۱.